

عزت، بهتر از زندگی در ذلت است.»
از مجموع این سخنان، این اهداف را می‌توان استفاده کرد:

- الف - ترویج حق و عمل به آن
- ب - نهی از ترویج باطل و بازداشتن از عمل به آن
- پ - عدم پذیرش زندگی دلبستر و نتگین دنیا و انتخاب زندگی با ساعات آخرت

۷- امام صادق(ع) در زیارت رابعین، هدف از نهضت حسینی را چنین بیان می‌فرماید: «فَبُنِيَ مُنْهَاجَهُ يَكُونُ اسْتِغْنَاءً عِلَالِكِ وَاجْتِهَالَهُ وَخَيْرُهُ الصَّلَاحُ لِحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (ع) جَانْ خَوْشٍ وَارْتِرَاةٍ تَوْ (خدا) فَكَرَدَتْ تَابِنْدَكَلَّتْ وَارْزِي خَبْرِي وَ سِرْگَرْدَنِي كَمَرَاهِي نَجَاتْ دَهْد.»

از دیدگاه امام ششم، سیدالشهدا(ع) با نهضت عاشورا اهداف زیر تعقیب می‌کرد:

- الف - نجات مسلمانان از بی‌خبری نسبت به احکام دین و وظایف خویش در برابر پروردگار
- ب - رهایی بندگان خدا از گمراهی با آگاه کردن آنان به لزوم پیروی از رهبران واقعی دین

■ **تحلیلی پیرامون اهداف و ماهیت قیام امام حسین(ع)**

با اندکی بررسی و تأمل در اهداف استخراج شده از مجموعه خطبه‌ها، سخنان، نامه‌ها و... می‌توان به این نتیجه‌رهنمون شد که اگر آن حضرت علت و انگیزه قیام خویش را مبارزه با اموری همچون رواج بدعت‌ها، مخالفت با کتاب خدا و حلال و حرام الهی، نابودی سنت پیامبر، شیطان محوری و ترک خدامحوری، فساد، ظلم، بی‌عدالتی و نامانی در جامعه اسلامی، تعطیلی حدود الهی، در احتصار گرفتن و تاراج بیت‌المال مسلمانان، می‌دانست، همه این امور حاکی از فراوانی و شیوع امری به نام «منکر» در جامعه اسلامی که ایشان خود را موظف به مبارزه با آن می‌دانست. همچنین اگر آن حضرت جوامع فاسد را به اموری از قبیل عمل به کتاب خدا و سنت پیامبر، احسان مظاهر و نشانه‌های حق، ایجاد امنیت، اصلاح و بهبودی وضع امور امت و مساهلی از این قبیل فرا می‌خواند، این مسأله شائسته آن است که امری به نام «معروف» در جامعه از بین رفته یا دست‌کم در حال نابودی بود. از این رو اگر امام از بیعت با یزید امتناع کرده و با این عمل، از یک‌سو، آماجی خود را برای شهادت و مقاومت در برابر حکومت یزید اعلام کرد و از سوی دیگر، تلاش خود را جهت برانداختن حکومت یزید و تأسیس حکومت اسلامی به کار گرفت، تا این دلیل بود که سر باز زدن از بیعت، به معنای مبارزه با منکر و معروف و اتمام حجت با مسلمانان درباره حرمت سکوت در برابر بدعت‌ها و جنایات بنی‌امیه بود و بیعت با حتی سکوت در مقابل چنین حکومتی، افزون بر آنکه ترویج منکر و مبارزه با معروف بود. و عشر و پنهانی‌شدن برای افراد عادی در همکاری با حاکمان اموی می‌شد.

بنابراین فلسفه اصلی و نهایی نهضت آن حضرت را می‌توان در یک هدف و تکلیف جامع و کلی یعنی «حفظ ساحت دین از فتنه‌ها و بدعت‌ها و احیای فرهنگ اسلام اصیل و ناب محمدی» خلاصه کرد.

بررسی که مطرح است این است که پیشواي سوم، این هدف و تکلیف را به چه شیوه‌ای می‌خواست به انجام رساند؟ در پاسخ باید گفت تا توجه به سخنان آن حضرت در باره آن بزرگوار بر اساس تکلیف الهی خویش باید قیام می‌کرد؛ چه فرجام این قیام، پیروزی نظاری و تشکیل حکومت بود آن چه شهادت، چنانکه خود فرمود: از خداي متعال برای آنان خواسته است، خیر در حق آنان باشد چه کشته شوند و چه پیروز. بنابراین امام آماده ره‌دو فرجام بود.

پی‌نوشت: منابع در دفتر روزنامه موجود است.

♦ انتشاریه گروه تاریخ مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

اسلام در این نامه، هدف از قیام را (مبارزه و جهاد بر ضد حکومت ستمگر بنی‌امیه تا براندازی آن) و تلاش در جهت بر پایي حکومتی می‌داند که رهبر و پیشوای آن، صفات و امتیازات ذیل را دارا باشد:

الف - به کتاب خدا کند.

ب - عدالت را در جامعه حاکم کند.

پ - متدین و معتقد به دین خدا باشد.

ت - خود را وقف خدا و اهداف الهی کند.

۴- حسین بن علی(ع) در نامه‌ای که ضمن آن از بزرگان بصره دعوت به همکاری و همراهی کرده است، علت و هدف از نهضت خویش را چنین بیان می‌کند: «لَا أَدْعُوَكُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أَمِيتَتْ وَ إِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أَحْيَيْتْ»؛ من شما را به کتاب خدا و سنت پیامبر می‌خوانم. همانا سنت (پیامبر) از بین رفته است و بدعت زنده شده است.

و در جواب عبدالله بن مطیع می‌فرماید: «إِنَّ أَهْلَ الْكُفَّةِ كَتَبُوا إِلَيَّ يُسْأَلُونَنِي أَنْ أَقْدِمَ عَلَيْهِمْ لِمَا رَجَوْا مِنْ أَحْيَاءِ مَعَالِمِ الْحَقِّ وَ إِمَامَةِ الْبِدْعِ»؛ کوفیان به من آمده و نوشته‌ها و از من خواسته‌اند که بنزد شما بروم، چون می‌آوردند آن‌ها را رهبری من نشان‌های حق زنده و بدعت‌ها نابود شود.

حضرت در روز عاشورا، خطاب به عمر سعد و سپاهش فرمود: «وَاللَّهِ مَا أَتَيْتُكُمْ حَتَّى أَتَيْنِي كِتَبُ أَمْلَاكُمْ بِأَنَّ السُّنَّةَ قَدْ أَمِيتَتْ وَ النِّفَاقُ قَدْ نَجَحَ وَ الْخُرُودُ قَدْ غُلَّتْ»؛ به خدا سوگند من نزد شما نیامدم تا زمانی که نامه‌های امثال شما دستم رسید که در آن نوشته بودیدا! سنت (پیامبر) از بین رفته و نفاق ظاهر شده و حدود الهی تعطیل شده است.

نیز در نامه‌ای که به شیعیان بصره نوشت، فرمود: «فَأَنِّي أَدْعُوَكُمْ إِلَى أَحْيَاءِ مَعَالِمِ الْحَقِّ وَ إِمَامَةِ الْبِدْعِ»؛ من شما را به زنده کردن نشانه‌های حق و نابود کردن بدعت‌ها می‌خوانم.

از مجموع نامه‌ها و پاسخ حضرت، این اهداف را می‌توان برای نهضت عاشورا استخراج کرد:

الف - دعوت (و عمل) به کتاب خدا و سنت پیامبر

ب - احیای سنت پیامبر که از بین رفته و بر پایي مظاهر حق و حقیقت

پ - این بین بردن بدعت‌ها (که جایگزین احکام خدا و سنت پیامبر شده است)

۵- اباعبدالله(ع) در خطبه‌ای که پس از برخورد با حر بن یزید ریاحی در منزل «بُضْطَه» ایراد فرمود، انگیزه قیامش را با استناد به فرمایش پیامبر(ص) چنین بیان کرد: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحْلِلًا لِحَرَمِ اللَّهِ، نَكَثًا لِعَهْدِهِ، مُخْلِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ(ص)، يَمْعَلُ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ وَ بِلَاَمِّ وَ الْقُدْرَانِ، فَلْيَمْعُرْ عَلَيْهِ بَغْلًا وَ لَاقِلًا، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ مَذْلَحُهُ. وَ أَنْ هَؤُلَاءِ قَدْ لَزَمُوا طَاعَةَ الشُّبْطَانِ، وَ تَرَكُوا طَاعَةَ الرَّحْمَنِ، وَ أَطْرَقُوا حُرْمَةَ عِلَاقَةِ الْخُرُودِ، وَ اسْتَأْثَرُوا بِالْفَقِّ، وَ أَخْلَوْا أَرْهَامَ اللَّهِ، وَ حَرَمُوا خَلَاءَهُ، وَ أَتَا أَعْنَاقَ مَنْ غَفَرَهُ؛ ای مردم! رسول خدا(ص) فرمودند: کسی که فرمانروایی ستمگری را ببیند که حرام خدا را حلال کرده و پیمان الهی را شکسته و از طاعت رسول خدا(ص) مخالفت ورزیده و در میان بندگان خدا با گناه و تجاوزگری رفتار می‌کند ولی در برابر او با کردار و گفتار خود برنجیزد، هر خدایت که او را در جایگاه عذاب اورا آن ستمگر قرار دهد، همان آتی مردم! بدانید که اینها نیز به فرمانبری از شیطان و اطاعت از فرمان الهی، رها کرده و فساد را نمایان ساخته‌اند و حدود خدا را تعطیل کرده‌اند، در آمده‌ای عمومی (بی‌ت‌مال) مسلمانان را به خود اختصاص داده‌اند و حرام خدا را حلال و حلالش را حرام کرده‌اند و من شایسته‌ترین فرد برای تغییر دادن اسرنوشت امور مسلمانان! هستم.

از این خطبه یا نامه، علل قیام سیدالشهدا(ع) را می‌توان اقدامات ضد دینی حاکمان بنی‌امیه (بویزه یزید) دانست که مرتکب شده‌اند:

الف - ترک فرمانبری خدا و پیروی از شیطان

ضمن یادآوری وظیفه سنگین و تکلیف خطیر علم و آراء
شهره دار برابر پاسداری از کبان دین و اعتقادات مسلمانان
و پیامدهای سکوت در برابر جنایات امویان، از خاموشی آنان
در برابر سیاست‌های دین ستیزانه حاکمان اموی انتقاد کرد و
هر گونه همراهی و سازش با آنان را گناه نابخشودنی دانست
حضرت در بیان سخنان خود، هدف از اقدامات و فعالیت‌هایش
را بر ضد نظام استعمار حاکم (که چند سال بعد در قالب یک
نهضت خود را نشان داد) چنین اعلام فرمود: «لَهُمْ لَنْكَ تَغْلِيْبُهُ
فَلَهُ لَمْ يَكُنْ مَا كَانْ مِنْ تَنَافُاسِي سُلْطَانٍ، وَ التَّمَاَسَا مِنْ فَضُولِ
الْجُلَمَاءِ وَلَكِنْ لَبَّى (لَرَّزَقَ) الْعَمَلَامُ مِنْ مَدِيْنَةٍ وَنَظَرُوا الْإِصْلَاحَ
فِي بِلَادِكَ، وَبَاقِي الْعَمَلُومُوْنَ مِنْ عِبَادِكَ، وَ يُعْمَلُ بِفَرَائِضِكَ
وَ سُنَنِكَ وَ احْكَمِيكَ، خَدَايَا تُوْمِي اِنْدِي اَنْ تَطْرَفَ مَا اَنْجَاحًا
تُغْرِفُ اسْتَغْنَا (از سخنان و اقدامات ضد حاکمان اموی) به
خاطر سبقت‌جویی در فرمانروایی و افزون‌خواهی در متاع ناچیز
دنیا نبوده‌است، بلکه برای این است که نشانه‌های دینت را آید
مردم! نشان دهیم (بر گردانیم) و اصلاح در سرزمین‌هایت را
آشکار کنیم» می‌خواهیم بدندان صمدانیت در امان باشندند
و به دستورات و سنت‌ها و احکامت عمل شود.»
از این جملات می‌توان ۴ هدف را برای اقدامات و
فعالیت‌های امام حسین(ع) که در عصر حاکمیت یزید جزو
اهداف قیام حضرت به شمار می‌رفت، استخراج کرد:
الف- احیای مظاهر و نشانه‌های اسلام اصیل و ناب محمدی
ب- اصلاح و بهبود وضع شهروندان
پ- مبارزه با استعمارگران اموی جهت تأمین امنیت برای مردم
تسمیمی
ت- فراهم کردن بستری مناسب برای عمل به احکام و
واجبات الهی
۲- امام حسین(ع) در وصیتنامه‌ای که هنگام خروج از مدینه
و در زمان وداع با برادرش محمد ابن حنفیه برای وی نوشت
هدف از حرکات خویش را چنین بازگو کرد: «لِيْ اَمْلُ اَخْرَجَ اَشْرَفَ
وَلَا يَطْرُقُ اَلْاَوْفُسَادُ وَلَا يَطْلُبُ، اَلْمَآخِرُ حُرْجَتُ طَلِبِ الْإِصْلَاحِ فِي
أَمَةِ جَدِّي مُحَمَّدٍ اَرِيْدُ أَنْ أَمُرَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَ أَسْبِغَ بِسِرَةِ جَدِّي (محمدص) وَ عَلَيَّ بِنِ اَبِي طَالِبٍ(ع)
مِنْ اَمْرِ وَ سُرْمَتِي وَ سَخْتِي وَ تَهْبَاكِي وَ تَسْتَعْمُرِي اَنْ
مَدِيْنَةً خَارِجَ تَنْشُدُم، بَلَكَّةَ بَرَاي طَلِبِ اَصْلَاحِ دَر اَمْتِ جَدِّه
خَارِجَ شَدَّاهُ، مِي خَوَاهُ اَمْرَ بَ مَعْرُوفِ وَ نَهْيَ اِز مَنكَرَ كَنِم وَ
بَ سِرَّهَ جَدِّم وَ پَدْرَم عَلَي بِنِ اَبِي طَالِبِ عَمَلْ كَنِم.»
و در جای دیگر می‌فرماید: «لِيُفْعَلَ اِنِّي اُحِبُّ الْمَعْرُوفَ وَ اَكْرَهُ
الْمُنْكَرَ، خَدَايَا مِنْ مَعْرُوفِ اسْتِشْيَا وَ اِز مَنكَرَ تَفَرُّ دَارَم.»
در زیارت‌های مختلف که درباره امام حسین(ع) از امامان
دیگر و از رشده نیز این تعابیر فراوان دیده می‌شود: «شَهِدْتُ
أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ اَصْلَاحَ اَلْمَدِيْنَةِ اَلْكَاهَ وَ اَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ
عَنِ الْمُنْكَرِ، گواهی می‌دهم که تو نماز را با بادشاهی و زکات
دادی و امر به معروف و نهی از منکر کردی.»
از این عبارات، اهداف ذیل را از قیام حضرت می‌توان
استفاده کرد:
الف - طلب اصلاح در امور امت پیامبر(ص)
ب - امر به معروف
ت - نهی از منکر
ت - عمل به سیره رسول خدا(ص) و امیرالمؤمنین(ع) همانند
برپایی نماز و پرداخت زکات
۳- حضرت در نامه‌ای که در زمان اقامت خویش در مکه در
پایخ به نامه‌های اشراف و بزرگان کوفه مبنی بر آمدن به کوفه
نوشته، فلسفه قیام خود را چنین بیان فرمود: «لَعَمْرِي مَا لَالَا اَمَّا
اَلْاَحَاكِمُ اَلْكُتَّابُ اَلْعَامَّةُ بِالْعَامَّةِ اَلْبَانِ اَدْبِي اَلْحَقَّ اَلْحَابِسُ
نَفْسُهُ عَلَيَّ اَللَّهِ بَلَّهْ بِ جَانِمِ سَوْنَدِمْ، پيشوا کسی است که به
کتاب خدا حکم کند، عدل و داد را محقق سازد، متدین و به
دین حق ملتزم باشد و خود را وقف خدا کند» همچنین مسدلس
بن عقیل سفیر امام یزید از هدف از مأموریت خود را اینگونه بیان
کرده‌است: «فَاتَّبَعْنَاهُ لِنَأْمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَدْعُوا اِلَى اَحْكَامِ الْكُتَّابِ»

درباره ماهیت و چیستی
 حسینی در دهه‌های
 سنخا و تحلیل‌های گونا
 ارائه شده که سخن از آنها
 از هدف و حوصله این متن
 به نظر می‌رسد برای شن
 ماهیت و چیستی نهضت آن حضرت و نیز فلسفه و هدف
 عاشورا باید در گام نخست، به مطالعه و پژوهش جامع و
 درباره شخصیت، زندگی و مقام و جایگاه آن حضرت به
 امام معصوم پرداخت و سپس با مطالعه و تعمق لازم در ب
 و گفتار آن حضرت – که در مقاطع و مراحل مختلف
 حتی پیش از آغاز آن درباره انگیزه حرکت خویش بیان
 است – به ماهیت و چیستی نهضت آن حضرت، نیز شن
 قیام وی تا حد زیادی شناخت پیدا کرد.

اما در مجموع، مناسبت‌بررسی تحلیل و تبیینی
 این باره می‌توان ارائه کرد، این است که ماهیت و چ
 قیام سیدالشهدا(ع) چهار بار در بیان فدای آن اسلام و
 اسلام از فتنه‌ها و بدعت‌ها بوده است. بنابراین اگر گفته
 ماهیت و هدف اصلی قیام، امر به معروف و نهی از منکر
 نادرست است، چرا که تحقق این دو، موجب متوقف بر ۲
 اساسی است، یکی، احتمال تأثیر آن از وجه، در امان بود
 از زبان مالی، جانی و حیثیتی که در قیام آن حضرت
 شرط منفی بوده است. به تعبیر دیگر، ماهیت قیام امام
 نوع جهاد ابتدایی بود و نه دفاعی، بلکه نوع سوم
 بود که به اصطلاح آن «جهاد ذاتی» و «جهاد متعلق ای
 جهاد، ساحت بدن است، لذا هر آن‌کس که هر جا، کجا ای
 معرض خطر قرار گیرد، در همه مکلفان از زن و مرد – و
 واجب نماز، روزه و زکات – واجب عینی است که به
 از آن بردارند.

بنابراین محدود کردن قیام آن حضرت در یک مساله
 مانند امر به معروف و نهی از منکر، منطقی به نظر نمی
 هر چند امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند به عنوان
 از علت اصلی یا داعی هدف مهم‌تر «جهاد ذاتی» باشد.
 رو مقصود امام از اینکه می‌فرماید می‌خواهم امر به مع
 نهی از منکر کنم، انجام یکی از فروع فقهی نیست، بلکه
 از آن، اصل دین است، زیرا هیچ معروفي مهم‌تر از احیای
 نیست و هیچ منکری به بالاتر از نابودی آن نیست. بنا
 کی هدف از قیام آن حضرت تنها امر به معروف و نهی از
 بود، نیازی به همراه بردن خانواده نبود اما همراه کردن
 به این معنا بود که از دیدگاه آن، حضرت، دفاع از کیان
 به همه مکلفان و حتی بر زنان واجب است، از این رو آ
 یا خود همراه کرد.

■ هدف‌شناسی قیام: اهداف قیام از دیدگاه امام حسین
 دیدگاه‌های گوناگونی که درباره فلسفه قیام عاشورا
 مانند تکلیف خالص، نهضت، تشکیل حکومت، مسیح
 کلیسایی، دیوار آینه‌ها و... افزون بر آنکه برخی از آنها تا
 وارونه یا حداقل نامناسب با شأن رهبر کبریا ارائه کر
 هیچ‌کدام در ارائه یک تصویر روشن و جامع از انگیزه‌های
 پیشواي سوم توفیق نداشت‌اند.

سر این عدم توفیق را باید در عواملی همچون
 یکسویه و یک‌بعدی به نهضت کربلا نیز عدم شناخت
 نسبت به شخصیت رهبر این قیام و ماهیت هر خشک دا
 بنابراین – چنانکه گفتیم – معتبرترین و مطمئن‌ترین
 برای هدف‌شناسی نهضت سیدالشهدا(ع) افزون بر مد
 جامع و کامل درباره زندگی، شخصیت و مقام و منزل
 حضرت به عنوان امام معصوم، مطالعه و تأمل در بیا
 گفتار ایشان – که در مقاطع مختلف قیام و حتی پیش
 آن درباره انگیزه حرکت خویش بیان کرده – است. هم
 با مطالعه و بررسی برخی از تعبیر زیارت‌نامه‌ها – که از آن
 دیگر نشدند و در آن‌ها به انگیزه قیام عاشورا پرداخته